

# بحران کسری بودجه

## تجلی ورشکستگی سرمایه داری



### صدای انترناسیونالیستی

E-mail: [contact@internationalistvoice.org](mailto:contact@internationalistvoice.org)

Homepage: [www.internationalistvoice.org](http://www.internationalistvoice.org)

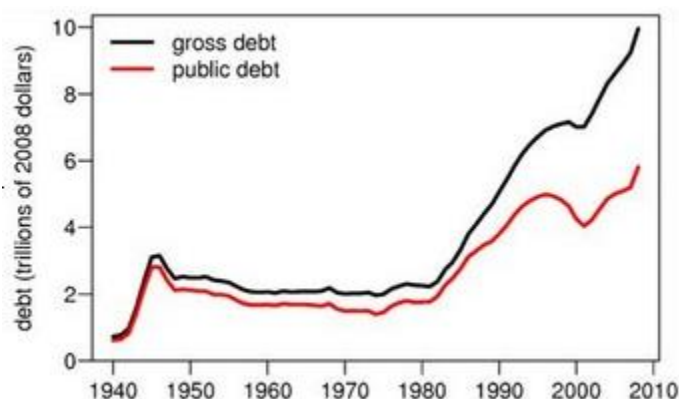
تلگرام: <https://t.me/intvoice>

جنگ جهانی اول نشان داد که سرمایه داری بعنوان یک نظام اجتماعی وارد دوره انحطاط شده است. این انحطاط خود را بشکل چرخه ای از بحران، جنگ و بازسازی تجلی داده است، چیزی که نظام سرمایه داری به بشریت تحمیل می کند. سرمایه داری در بحران است، بحرانی که عمیق تر شده و به سراسر جهان سرمایه داری گسترش پیدا کرده است، بعبارت دیگر سرمایه داری در بحران مرگ خود فرو رفته است.

امروز بحران بدهی ها و کسری بودجه گریبانگیر تمامی دولت های سرمایه داری شده است، چیزی که نشانه ای از ورشکستگی سرمایه داری است، بهانه ای شده برای حمله روزانه به استاندارد زندگی طبقه کارگر، در سراسر جهان. این دولتهای پیرامونی سرمایه داری نیستند که خونریزی می کنند، بلکه از لحاظ اقتصادی توسعه یافته ترین کشورهای سرمایه داری، دولتهای متروپل سرمایه داری هستند. اقتصاد دانان و ایدئولوگهای بازار آزاد متوجه بدهی های هنگفت قدرتهای اقتصادی جهان شده اند.

قلب تپنده سرمایه، موتور اقتصادی جهان، یعنی ایالات متحده آمریکا مقام سوم را در جهان در نسبت بدهی به تولید ناخالص داخلی را کسب کرده است:

"در طول دوران ریاست پرزیدنت جورج دبلیو بوش، کل بدهی آمریکا از ۵/۶ تریلیون دلار آمریکا در ماه ژانویه سال ۲۰۰۱ به ۱۰/۷ تریلیون دلار آمریکا در دسامبر ۲۰۰۸ افزایش یافته است، از ۵۴ درصد از تولید ناخالص داخلی به ۷۵ درصد از تولید ناخالص داخلی افزایش پیدا کرده است. کل بدهی های پیش بینی شده در طول دوران ریاست جمهوری اوباما به شکل قابل توجهی افزایش خواهد یافت و نزدیک به ۱۰۰ درصد از تولید ناخالص ملی خواهد رسید، بالاترین سطح خود بعد از زمان جنگ جهانی دوم. کل بدهی می تواند ۱۵-۵۰ درصد بیشتر از تولید ناخالص داخلی طرح ریزی شده مبتنی بر کاهش کسری سالانه باشد یعنی به جای یک تریلیون، یک و نیم تریلیون دلار آمریکا موقعیتی که در آن ایالات متحده در حال حاضر هست. این ایالات متحده را در مقام سوم در رابطه با نسبت بدهی به تولید ناخالص داخلی قرار می دهد." [۱]



قدرت های برتر اقتصادی اروپا کمتر از موتور اقتصادی جهان، ایالات متحده آمریکا ورشکسته نیستند. واقعیت این است که قدرت های اقتصادی اروپا پس از ایالات متحده آمریکا بیشترین بدهی ها را دارند و جزو ورشکسته ترین کشورهای جهان هستند. بدهی بخشی از کشورهای یورو در سال ۲۰۰۹ میلادی به قرار زیر است: [۲]:

	ایتالیا	پرتغال	اسپانیا	بریتانیا	یونان	ایرلند	میانگین اتحادیه اروپا
بدهی به نسبت درصد تولید ناخالص داخلی	116	77	54	68	112	65	78,2
کسری بودجه به نسبت درصد سالانه	5,3	9,4	11,2	11,5	13,6	14,3	5,3

"وزیر دارایی یونان گیورگوس پاپاکونستانینو (Giorgos Papakonstantinou) سه هفته قبل اعلام کرد که کسری بودجه کشورش به ۱۲/۷ درصد از تولید ناخالص داخلی امسال رسیده است، به جای ۶ درصد که در اصل پیش بینی شده بود- و نیز در مورد قوانین محدودیت ۳ درصد پیش بینی شده توسط اتحادیه اروپا. یونان در حال حاضر تقریباً ۲ درصد بیشتر از آلمان به بدهی های خود بهره می پردازد. به عبارت دیگر، در مجموع بدهی ۲۷۰،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ € (۴۰۲،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ \$)، یونان ۵ بیلیون یورو بیشتر بهره سالانه پرداخت خواهد کرد. و، با تهدیدات آژانس ارزیابی اعتبارات که اعتبارات کشور را که در حال حاضر در شرایط ملال انگیزی است، پائین تر نیز ارزیابی کند، شرایطی که به نظر می آید بدتر نیز بشود." [۳]

طبقه کارگر یونان موجی از اعتراضات، اعتصاب و تسخیر خیابان ها، محلهای کار را در اعتراض به جامعه ای که تنها بدتر شدن و وخامت وضعیت اجتماعی را برای آنها ارائه میدهد آغاز کرد. برای دفاع از سطح استاندارد زندگی خود که توسط بورژوازی روزانه مورد تعرض قرار میگیرد و مقاومت در برابر اینکه نمیخواهد هزینه بحران سرمایه داری را پرداخت کند.

اعتراضات نسل جوان که حتی برایشان شانس و فرصت وارد شدن به سیستم بردگی مزدی سرمایه داری داده نشده است، بیانگر این است که نسل جوان از این مسئله آگاه است که در این دنیای وارونه سرمایه داری هیچ آینده ای ندارد. در همان زمان، شرکت دانشجویان در این اعتراضات بیانگر این است که دانشجویان خودشان را پرولتراهای آینده می بینند و به استثمار آینده خود اعتراض می کنند.

طبقه حاکم یونان از طبقه کارگر می خواهد که در این « وضعیت دشوار» برای نجات جامعه سرمایه داری از خود فداکاری نشان دهد. پاپاکونستانینو (Papaconstantinou) بخشی از اقدامات لازم برای نجات اقتصاد ورشکسته یونان را بقرار زیر اعلام کرد [۴]:

- افزایش مالیات بر درآمد از ۲۱ درصد به ۲۳ درصد
- افزایش ۱۰ درصد مالیات بر سوخت، مشروبات الکلی و دخانیات
- کاهش بیشتر حقوق ها در بخش دولتی و حقوق بازنشستگی
- 

هیچ بخشی از طبقه کارگر از شر حملات بورژوازی در امان نیست، نه بخش خصوصی، نه بخش دولتی و یا بیکاران. بورژوازی از ما می خواهد که هزینه بحران نظام سرمایه داری را پرداخت کنیم. طبقه کارگر مجبور به قبول دستمزد کمتر، سرعت کار بیشتر، افزایش ناامنی شغلی، شرایط بد بازنشستگی و همچنین تجلی خود را خود را اخراجها، تهدید به اخراج، کاهش نیروی کار و یا بیکاری آشکار زمانی که صنایع بزرگ بسته می شوند.

رسانه های جمعی سرمایه به عنوان خادمان وفادار سرمایه در وارونه کردن حقایق دنیای وارونه سرمایه داری عمل کرده اند. آنها هرگز در مورد اعتصابات وحشی سخنی به میان نمی آورند و یا همیشه سعی می کنند خشونت پلیس سرمایه علیه طبقه کارگر را کم اهمیت جلوه دهند. در همان زمان، آنها اغلب مواقع اتحادیه های کارگری را سازماندهان اعتراضات و اعتصابات کارگری معرفی می کنند، اما وظیفه اصلی اتحادیه ها کنترل طبقه کارگر و منحرف کردن مبارزه طبقاتی کارگران است و به عبارت بهتر اتحادیه های کارگری سعی می کنند نارضایتی های اجتماعی جذب خود کنند.

بحران سرمایه داری سراسر جهان را فرا گرفته است، اما پاسخ طبقه کارگر نیز جهانی است. به منظور غلبه بر انزوا در مبارزه طبقاتی، تنها راه ممکن توسعه، تکامل مبارزه طبقاتی و همبستگی در مقیاس بین المللی است. ما فقط می توانیم به حملات بورژوازی از زمین طبقاتی خودمان پاسخ بدهیم. ما باید از وسعت واقعی و اهمیت مبارزه مان آگاه باشیم، چرا که حاوی نطفه واقعی برای چالش کشیدن سیستم های منحل اجتماعی است.

هر چقدر بیشتر طبقه کارگر شروع به گرفتن ابتکار عمل می کند و بیشتر در مبارزه دخالت می کند، تروریسم دولتی بیشتر ماهیت واقعی را نشان می دهد. هر چقدر اعتراضات پرولتاریا بیشتر رادیکال و میلیتانت می شود به همان اندازه خشونت و سرکوب پلیس افزایش پیدا می کند. دستگاه سرکوب دموکراسی تلاش می کند اعتراضات پرولتاریا را جنائی کند.

ریشه های واقعی بحران اقتصادی امروز، تعقیب بی رحمانه سرمایه داری در سود هست و هنگامی که انباشت سرمایه متوقف می شود سرمایه داری در بحران فرو میرود.

تنها طبقه کارگر می تواند چشم اندازی به اعتراضات بدهد، چیزی که در نهایت تجلی روح مبارزه، امتناع از پذیرفتن حملات بورژوازی. تا به حال، هیچ طبقه اجتماعی چنین مسئولیتی که امروز پرولتاریا به عهده دارد، عهده دار نبوده است. بیش از هر زمان دیگری طبقه کارگر از طریق مبارزه طبقاتی اش آینده بشریت را در دستهای خود دارد. هنگامی که طبقه کارگر مبارزه خود رافراتر از مرزهای ملی تکامل و گسترش داد، نبردش آلترناتیو واقعی خواهد بود برای نظام بحران، بدبختی و بربریت.

فیروز اکبری

۱ خرداد ۱۳۸۹

**یادداشتها:**

[ ۱ ] <http://nextbigfuture.com/2009/12/us-deficit-situation-2008-2010-2012-and.html>

[ ۲ ] <http://econ.economicshelp.org/2010/04/european-fiscal-crisis.html>

[ ۳ ] <http://nextbigfuture.com/2009/12/us-deficit-situation-2008-2010-2012-and.html>

[ ۴ ] <http://economictimes.indiatimes.com/news/international-business/Greece-pledges-more-budget-cuts-gets-more-time/articleshow/5883771.cms>